

بررسی رابطه سبک رهبری تحول آفرین و نوآوری در آموزش و پرورش شهرستان ایلام

پرستو منتی^۱، سکینه رحیمی^۲، فائزه منصوری^۳، فاطمه صفری^۴

^۱ کارشناس علوم تربیتی، پردیس امام جعفر صادق، دانشگاه فرهنگیان ایلام (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناس علوم تربیتی، پردیس امام جعفر صادق، دانشگاه فرهنگیان ایلام

^۳ کارشناس علوم تربیتی، پردیس امام جعفر صادق، دانشگاه فرهنگیان ایلام

^۴ کارشناس علوم تربیتی، پردیس امام جعفر صادق، دانشگاه فرهنگیان ایلام

چکیده

رهبری تحول آفرین، یکی از تازه ترین رویکردهای مطرح شده نسبت به رهبری است که می تواند باعث ارتقای توانایی پیروان در درک ماهیت سازمانی و مشکلاتی شود که با آن روبرو هستند. از سوی دیگر، امروزه سازمان ها برای زنده ماندن و گریز از مرگ و ایستایی و انطباق با محیط ناپایدار و متغیر بیرون به تحول و نوآوری نیاز دارند. هدف پژوهش حاضر به بررسی رابطه رهبری تحول آفرین و نوآوری سازمانی، در بین پرسنل آموزش و پرورش استان ایلام پرداخته است. این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بوده که جامعه آماری آن را پرسنل آموزش و پرورش استان ایلام تشکیل میدهد، که ۴۵ نفر از پرسنل به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. برای گرد آوری داده ها از پرسش نامه چندعاملی رهبری و پرسشنامه میرکمالی و چوپانی (۱۳۹۰) استفاده شده است. جهت تحلیل داده ها از آزمون اسپیرمن استفاده گردید. نتایج تحقیق نشان داد بین رهبری تحول آفرین و نوآوری در سازمان ارتباط مثبت و معنا داری وجود دارد و همچنین همه ابعاد رهبری تحول آفرین با نوآوری سازمانی ارتباط مثبتی دارند و ملاحظات فردی دارای بیشترین همبستگی با نوآوری سازمانی است.

واژگان کلیدی: رهبری تحول آفرین، نوآوری سازمانی، سازماندهی، آموزش و پرورش.

مقدمه

رهبری موضوعی است که از دیرباز نظر محققان و عموم مردم را به خود جلب کرده است. شاید علت جذابیت گسترده رهبری این باشد که رهبری، فرآیندی بسیار اسرار آمیز است که در زندگی همه افراد وجود دارد. در اکثر موارد، دانشمندان علوم رفتاری کوشیده اند تا بدانند بر اساس چه ویژگی ها، توانایی ها، رفتارها، منابع قدرت یا با تکیه بر چه جنبه هایی از موقعیت، توان رهبر در تأثیر بر پیروان و تحقق اهداف گروهی را می توان تعیین کرد (امیرکبیری و همکاران، ۱۳۸۵، ۱۱۷). محققان بیان می دارند که رهبری، توانایی اثر گذاشتن بر نگرش ها، توانایی ها و باورهای کارکنان در جهت رسیدن به اهداف سازمانی است (معاير حقيقي فرد و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۱). ادبیات رهبری و مدیریت، طی دو دهه گذشته، شاهد تکوین و مقبولیت یافتن طیف جدیدی از نظریه های مربوط به رهبری اثربخش بوده است. در میان این دسته از نظریه ها، نظریه